

سرشناسه: شعبانی، محمد حسین، ۱۳۴۰-
 عنوان و تکرار نام پدیدآور: سقوط قصاص با عفو برخی از اولیا / مؤلف: محمد حسین شعبانی
 مشخصات نشر: قم: جباری، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
 شابک: ۵۰۰۰۰ ریال: ۹-۸۱-۲۶۵۴-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۵۶-۱۶۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: قصاص (فقه)
 موضوع: قصاص - قوانین و مقررات - ایران
 موضوع: حقوق جزا (فقه)
 موضوع: حقوق جزا - ایران
 شناسه افزوده: ایران. قوانین و احکام
 رده بندی: کنگره: ۷ ص ۷ ش ۱۹۵ / ۷۷ BP
 رده بندی یوبی: ۲۹۷/۳۷۵



تلفن: ۷۷۳۶۱۳۶ - ۷۷۴۸۳۱۱ (۲۵۱)

نام کتاب: سقوط قصاص با عفو برخی از اولیا
 مؤلف: محمد حسین شعبانی
 ناشر: انتشارات جباری
 صفحه آرا:
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱
 شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۵۰۰۰ تومان
 شابک: ۹-۸۱-۲۶۵۴-۹۶۴-۹۷۸

مراکز پخش:

پاپلی پخش مهر - تلفن: ۷۷۳۶۱۳۶ (۲۵۱)

نشانی: قم - خیابان سمیه - کوچه شماره ۱۲ - پلاک ۲۵۴ - واحد ۲

سقوط قصاص

با محوریت از اولیا

www.ketab.ir

مؤلف: دکتر محمد حسین شعبانی

استاد یار دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۱	 مفاهیم و کلیات
۱۳	 لغت قصاص
۱۵	 معنای اصطلاحی قصاص
۱۶	 فلسفه مجازات اسلامی
۲۰	 حرمت قتل نفس
۲۱	 فضیلت عفو
۲۳	 برتری عفو از قصاص
۲۵	 حق الله یا حق الناس بودن قصاص
۲۸	 شخصی بودن قصاص
۳۱	 فصل اول: قصاص در قرآن
۳۳	 اهمیت قرآن
۳۵	 بررسی آیات عام تشریع مجازات به مثل
۵۴	 عدم قصاص از دیدگاه مفسران
۶۰	 سقوط قصاص از منظر مفسرین اهل سنت
۶۳	 فصل دوم: بررسی روایات مربوط به سقوط و عدم سقوط قصاص
۶۵	 بررسی روایات
۶۹	 علاج تعارض
۷۶	 اصل اولی در متعارضین
۷۷	 فصل سوم: نظر فقها در عفو برخی از اولیا
۷۹	 انواع قتل
۸۸	 اکراه بر قتل نفس

شرایط مقتول در اجرای قصاص	۹۳
چگونگی جمل حق قصاص	۹۶
قتل عمد موجب قصاص یا تخیر	۹۸
وارث حق قصاص	۱۰۱
نظر مشهور فقها در عفو برخی از اولیا	۱۰۳
نظر مشهور فقها در عفو برخی از اولیا	۱۰۳
سقوط حق قصاص	۱۱۱
استیفای حق قصاص و اذن دیگران	۱۱۸
تحقیق در مساله	۱۲۳
دلایل فقهای امامیه برای سقوط قصاص	۱۲۹
فصل چهارم: سقوط قصاص از منظر فقهای اهل سنت	۱۳۵
صاحبان حق قصاص	۱۳۷
استیفای حق قصاص و اذن دیگر اولیا	۱۴۱
قتل مشترک	۱۴۳
احکام عفو	۱۴۴
صلح بر قصاص	۱۴۵
سقوط حق قصاص	۱۴۶
فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری	۱۴۹
دلایل فقهای امامیه برای سقوط قصاص	۱۵۴
منابع	۱۵۷

مقدمه

انسان گرامی ترین آفریده آفریدگار علیم و حکیم است که در افعال و آفرینش آن حضرت حکمت و غرض نهفته است، چرا که فعل شخص حکیم نمی تواند خالی از هدف و غرض باشد. از منظر اسلام ارزش ذاتی حیات به لحاظ استناد آن به خداوند متعال است، در این تفکر حیات نه یک امر طبیعی و نه محصول طبیعت است، بلکه امر معنوی و مجرد و مابعدالطبیعی است، که با فیض مستقیم خداوند به وجود می آید، به همان صورت که مرگ جانداران نیز بدست خداوند است.

آن چیزی که مجرد بودن حیات را تایید و تبیین می کند، این است که دست مشخصی در دادن حیات به جانداران در طبیعت شناخته نشده، بلکه هیچ چیزی در دادن حیات به انسان و دیگر جانداران نقشی ندارد. حیات فقط از جانب خداوند متعال افزوده گردیده که ذاتا حی و زنده است، چنانکه خطاب به انسان فرمود:

"نحن خلقناكم قلولا نصدقون، انما نحن الخالقون" ^۱ یعنی: ما شما را بیافریدیم، پس چرا آفریده را صدق نمی کنید، آیا ندیدید نطفه و منی که در رحم قرار دادید؟ آیا شما خود آن نطفه را به صورت انسان آفریدید یا ما آفریدیم؟ همان گونه که منشأ حیات خداوند متعال است گرفتن حیات از جانداران نیز فقط حق باری تعالی است، هیچ کس حق گرفتن حیات از جاننداری را ندارد، چنانکه حضرت ابراهیم در احتجاج با نمرود زنده کردن و میراندن را فعل خداوند متعال دانسته و فرموده "ربی الذی یحیی و یمیت" ^۲ هرگاه بدون اذن و اجازه خداوند متعال با حیات دنیایی جاننداری معارضه و منازعه شود، با حکمت و هدف آفرینش مخالفت و دشمنی شده که در حقیقت دشمنی با خداوند متعال است و اگر از بین بردن حیات جانداران به طور کلی مجاز باشد، هدف آفرینش نقض می شود. مخصوصا اگر کشتن انسان مجاز باشد، زیرا هدف عالی آفرینش طبیعت و دنیا، انسان بوده است، از این

جهت امام رضا(ع) در پاسخ مامون که از سبب حرمت کشتن انسان پرسیده بود، فرمودند: "حرم الله قتل النفس لعله فساد الخلق فی تحلیله لواحل و فناءهم و فساد التدبیر"^۱

یعنی: خداوند متعال کشتن انسان را حرام کرده برای این که در جواز کشتن انسان اگر حلال می‌کرد- سبب نابودی آن‌ها و باطل و نقض شدن هدف و تدبیر آفرینش است. بنابراین خداوند متعال رؤی هدف و حکمتی طبیعت، دنیا، جانداران و به ویژه انسان را آفریده، برای حیات هر یک اجل و مدتی قرار داده، خودکشی یا کشتن دیگران دشمنی با خداوند است چون خداوند متعال روی حکمتی به بعضی از موجودات افاضه حیات نموده. مخالفت با حکمت خداوند و هدف آفرینش میغوض و منقور است، لذا فعل و کاری که مخالفت با خداوند باشد خداوند آن را حرام کرده است.

قوانین اسلام بر اساس رحمت و عدل الهی وضع شده است و احکام جزایی اسلام هم که بخشی از آن به شمار می‌رود مظهري از لطف و رحمت و عدل خداوند است. از این رو عفو در قوانین اسلام در جایگاه ویراث بر خورار است و مورد تأکید شرع مقدس اسلام قرار گرفته است. خداوند متعال به دلیل کرامت و حفظ ندگی انسان و پیشگیری از تکرار قتل و خون ریزی و عدم نقض هدف و تدبیر آفرینش حکم قصاص را مقرر فرموده است.

کیفر قصاص اگرچه منجر به اعدام و نابودی فردی از افراد جامعه است ولی با توجه به نقش مهمی که در جلوگیری از قتل و خونریزی دارد و حیات جامعه را تضمین می‌کند از منظر تقدیم منافع جامعه بر فرد، موجب استمرار و بقای زندگی و ضامن حفظ و بقای نظم و امنیت و عدالت اجتماعی است. زیرا شخص جنایت کار وقتی بداند که هرگاه مرتکب جنایت شود به مانند همان جنایت کیفر خواهد دید برای حفظ بقای خود و حب ذات به سوی جنایت نخواهد رفت و خود را دچار عواقب وخیم آن نخواهد کرد با این روش حیات همه از خطر نابودی و مرگ مصون می‌ماند و از این رو قرآن کریم قصاص را حیات و زندگی می‌داند «ولکم فی القصاص حیه یا اولی

الاولیاء»

به دنبال وضع قانون قصاص، عفو از جانی را نیز تشویق نموده و آن را به عنوان صدقه و کفاره گناهان قرار داده است.^۱ از این تعبیر چنین برداشت می‌شود که عفو از جنایت برتر از قصاص است و وعده آمرزش از گناهان به کسانی که از حق قصاص صرفه نظر کنند حاکی از عنایت ویژه خداوند بر عفوکنندگان است.

در این زمینه روایتی از مالک ابن انس نقل شده است که: «هرگز دعوای قصاصی نزد پیامبر اکرم (ص) طرح نگردید، مگر این که ولی دم را به عفو امر کردند».^۲

شرع مقدس اسلام از یک طرف کیفر قصاص را وضع نموده و از طرف دیگر در موضوع خون امر به عفو و احتیاط کرده و در صورت وجود شبهه از ریختن خون جلوگیری کرده است. از این طریق هم از شرارت افراد شرور جلوگیری نموده و هم روحیه برادری و صمیمیت را در جامعه حاکم می‌گرداند.

www.ketab.ir